نسیم جنوب

www nasimjonoub .com

سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۹۴

سه‌شنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

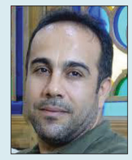
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

سپاس بی‌کران از همراهی صاحب‌امتیازی استوار



اسطوره‌ها؛ انقیاد و رهایی

عبدالخالق ماجدی



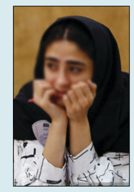
خستگی تصمیم‌گیری

حسین زیرراهی



استان بوشهر همچنان بدون رتبه تک رقمی در کنکور

محمد وطن خواه



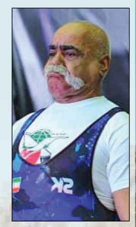
لباس‌های محلی بوشهر؛ یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های فرهنگی

الهه غریب زاده



ناصر مولایی قهرمان ۶۶ ساله بدن‌سازی:

هیچ وقت برای شروع، دیر نیست!



پایان خدمت در بوشهر و یک تصمیم مهم ورزشی

فرهاد امینی



مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت و گاز

عبدالحمید بنچاری



چرا روند پیشنهاد استاندار توسط ستاد پزشکیان، شفاف نیست؟

حسین صداقت



خبرنگاران بوشهری، فراموش شده‌های صنعت نفت و گاز

ابراهیم دانش



تخریب شبانه مدرسه دخترانه توسط اوقاف در بوشهر

ضعف مدیریت استان بوشهر در جلوگیری از تخریب مدرسه دخترانه





حادثه مرگبار اتوبوس مسافران بوشهری به مشهد

کمبود امکانات درمانی استان بوشهر، مردم را آواره غربت کرده



تخریب شبانه مدرسه دخترانه توسط اوقاف در بوشهر



در آستانه سال تحصیلی جدید یک واحد آموزشی توسط اداره کل اوقاف و امور خیریه استان بوشهر تخریب شد.

ساختمان واحد آموزشی تحت عنوان مدرسه عصمت بوشهر در آستانه سال جدید بدون هماهنگی با مسئولین ارشد استان به صورت شبانه توسط اداره کل اوقاف و امور خیریه استان بوشهر تخریب شد.

این واحد آموزشی که تقریبا ۴۰سال پیش توسط اداره و امور خیریه استان بوشهر در اختیار اداره کل آموزش و پرورش قرار گرفته بود، به نظر می‌رسید فرسوده و فاقد بهره‌برداری است، اما از آن‌جایی که آموزش و پرورش بوشهر با کمبود فضای آموزشی روبروست و در آستانه سال تحصیلی جدید از این کمبود رنج می‌برد، به ناچار در این واحد آموزشی برای بهره‌برداری جهت مرمت و بازسازی در حد توان اقداماتی انجام شده بود که با راه‌اندازی آن مشکل فضای آموزشی قریب به دویست دانش‌آموز مرتفع می‌شد.

از ماه‌ها قبل اختلافات بین اداره کل اوقاف و امور خیریه استان و اداره آموزش و پرورش بوشهر در بازپس گیری و تخریب و چگونگی بازسازی آن در میان بود، به طوری که به دستگاه‌های ذیربط استان و حتی قوه قضاییه نیز کشیده شد که متاسفانه به نتیجه مطلوبی ختم نشد.

دست‌اندرکاران اداره اوقاف بر این عقیده‌اند که این واحد آموزشی فاقد امنیت کافی بوده و قابل بهره‌برداری نیست و بر همین اساس آن را تخریب کرده‌اند. اما مسئولین آموزش و پرورش بوشهر تخریب مدرسه فوق توسط اداره کل اوقاف و امور خیریه استان را محکوم کرده و آن را اقدامی غیرمسئولانه تلقی می کنند و بر این عقیده‌اند که اولا این اداره، حتی اگر مدرسه مخرب باشد اجاره چنین کاری را ندارند در ثانی اگر اجازه هم می‌داشتند در این زمان آن هم در آستانه سال جدید تحصیلی نباید اقدام به چنین کاری می کردند و بر این باورند که چنین اقدامی بی‌توجهی به افکار عمومی است و برهمین اساس خواستار رسیدگی جدی وپیگیری از طریق قوه قضائیه هستند.

فرماندار بوشهر و جمعی از فرهنگیان و قشرهای مختلف مردم بوشهر نیز این حرکت ناشایست توسط اداره کل امور خیریه استان بوشهر را محکوم و تاکید کردند این‌گونه حرکات باعث مشوش شدن افکار عمومی خواهد شد و چنین اقدامی ازسوی یک نهاد دولتی دور از شان است.

در شرایطی که مرکز استان با کمبود شدید سرانه آموزشی روبرو می‌باشد تخریب مدرسه عصمت بوشهر کج سلیقگی محض بیش نیست.

در همین زمینه نماینده ولی فقیه در استان بوشهر گفت: با وجود یک سری هماهنگی‌ها برای رفع مشکل مدرسه عصمت بوشهر شاهد تخریب این مدرسه بودیم که این عمل غیرقانونی بوده است.

غلامعلی صفایی بوشهری گفت: با هماهنگی‌های انجام شده با ادارات کل آموزش و پرورش، نوسازی و خیرین مدرسه ساز استان روند ساخت این مدرسه از سر گرفته می‌شود.

وی افزود: در گام نخست توافق شد که این مدرسه توسط اداره کل اوقاف و امور خیریه استان در اختیار آموزش و پرورش قرار گیرد تا کلاس‌های درس دانش‌آموزان در آستانه مهر ماه در این مکان آغاز شود.

نماینده ولی فقیه در استان بوشهر افزود: عملیات ساخت بخش‌های تخریب شده نیز به‌زودی آغاز می‌شود.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر نیز در همین رابطه با اشاره به تخریب مدرسه عصمت بوشهر گفت: کار تخریب این مدرسه غیرقانونی و بدون حکم قانونی صورت گرفته است و افراد متخلف به دستگاه قضا احضار می‌شوند.

پورات با اشاره به تخریب یک فضای آموزشی در شهر بوشهر در آستانه سال تحصیلی جدید افزود: طبق دستور استاندار بوشهر جلسه‌ای با مشارکت مسئولان و دست‌اندرکاران مدرسه وقفی یاد شده تشکیل و تصمیمات خوبی اتخاذ و مصوب شد.

وی با اشاره به این‌که کار تخریب مدرسه عصمت غیرقانونی و بدون حکم قانونی صورت گرفته بود گفت: در این راستا قرار است حوزه قضایی استان بوشهر نسبت به احضار برخی افراد متخلف اقدام کند.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر افزود: تمامی کلیدهای مدرسه عصمت تحویل آموزش و پرورش شد و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان هم به صورت ویژه پای کار آمده است.

پورات با بیان این که تیمی از سوی نوسازی و تجهیز مدارس استان بوشهر برای بررسی بازسازی مدرسه در فضای آموزشی یاد شده حضور یافته‌اند گفت: قرار شد سوله‌ای که سالم مانده شش کلاس درس آن برای اول مهر ماه ایجاد، تجهیز و آماده تحصیل ۲۰۰ دانش‌آموز این مدرسه شود.

پورات با اشاره به برآورد خسارت تخریب مدرسه عصمت بوشهر گفت: برآورد خسارت مدرسه تخریبی انجام شده که از متخلفین باید گرفته شود.

وی گفت: پشت پرده تخریب مدرسه عصمت بوشهر، افرادی غیرمرتبط خودشان را به اداره اوقاف بوشهر نسبت داده‌اند.

همچنین یک فعال اجتماعی بوشهر با اشاره به تخریب دبستان دخترانه عصمت درآستانه بازگشایی مدارس گفت: اداره اوقاف شهرستان بوشهر در غیاب سرایدار مدرسه با لودر وارد دبستان دخترانه عصمت بوشهر شده و این مدرسه را تخریب کرده است.

ابوذرشیخ‌سقا افزود: بیش از ۵۰ سال است که این مدرسه در بوشهر فعالیت دارد ولی متاسفانه علیرغم نبود دستور قضایی، این مدرسه توسط اداره اوقاف شهرستان بوشهر به دلیل اختلاف مالکیت زمین تخریب شده است.

بوشهر – خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی

مدرسه عصمت بوشهر قابلیت استفاده ندارد

یک منبع رسمی، در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: مدرسه عصمت بوشهر برای چند سال در اختیار یکی از مدیران اسبق آموزش و پرورش استان بوده که از طریق آموزش و پرورش برای فعالیت های آموزشی در اختیار قرار گرفته بود. پس از این که اداره کل اوقاف و امور خیریه از آموزش و پرورش این مدرسه که اعیان و عرصه آن وقفی بوده را از آموزش و پرورش مطالبه می کند طی فرایندی این مدرسه از ید مدیرکل اسبق آموزش و پرورش خارج شده اما آموزش و پرورش اقدامی برای تحویل آن به اوقاف به دلیل نیاز مبرم به فضای آموزشی انجام نمی دهد. این موضوع اگر چه سر از محاکم قضایی در آورده اما سیستم قضایی استان نیز برای رفع مشکل طرفین را به خویشتن داری تا اتخاذ یک تصمیم قانونی دعوت می کند.

وی ادامه داد: با تعویض قفل‌های ورودی مدرسه توسط اوقاف و در حالی که پیش بینی می شد این موضوع به شکل مسالمت آمیزی رفع و رجوع شود، در ساعات شبانه روز چهارشنبه ۱۷ شهریورماه بخش های عمده‌ای از این مدرسه تخریب به گونه‌ای که دیگر قابلیت استفاده ندارد.

بررسی‌های ایرنا نشان می دهد که مدرسه عصمت بوشهر که در یکی از محلات کم برخوردار این شهر قرار دارد برای سال جدید تحصیلی اقدام به نام نویسی از ۲۰۰ دانش آموز کرده است.

حادثه مرگبار اتوبوس مسافران بوشهری به مشهد



مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی از واژگونی اتوبوس در جاده یزد – طبس خبر داد.

حمدعلی کاوسی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی، گفت: بنابر اعلام مرکز کنترل و هماهنگی عملیات هلال احمر خراسان جنوبی مورخ ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۳ مبنی بر واژگونی یک دستگاه اتوبوس در کیلومتر ۲۰۷ محور طبس – یزد بلافاصله نجاتگران هلال احمر از پایگاه امدادونجات جاده‌ای بین شهری مسجد شکر به محل سانحه اعزام شدند.

وی افزود: این سانحه رانندگی تاکنون ۱۰ فوتی داشته است.

بر اساس اعلام رییس پلیس راه استان یزد، علت اصلی حادثه مرگبار اتوبوس زائران بوشهری مشهد مقدس در جاده طبس –یزد عدم توجه به جلو از سوی راننده اتوبوس اعلام شد.

به گزارش ایسنا این اتوبوس در حال جابجایی زائرانی از شهرستان های تنگستان و دشتی به مشهد بوده که حوالی ساعت ۲:۳۰ بامداد امروز (سه شنبه) در محور یزد- طبس (حوالی روستای ساغند) واژگون شد.

این اتوبوس جمعا ۵۱ سرنشین داشته که در این حادثه ۱۰ نفر فوت و ۴۱ نفر هم مجروح شدند.

مدیرکل پزشکی قانونی استان یزد گفت: اجساد ۱۰ نفر از فوتی‌های واژگونی حادثه اتوبوس اسکانیا در محور یزد به طبس به این اداره کل منتقل شدند.

دکتر فریبرز آیتی فیروزآبادی در این باره افزود: تمام فوتی‌های این حادثه زن بوده‌اند.

وی اظهار کرد: تا زمان احراز هویت کشته شدگان، این اجساد در پزشکی قانونی باقی می‌مانند و پس از احراز هویت، تحویل خانواده‌های آن‌ها می‌شود.

آیتی فیروزآبادی ادامه داد: این افراد پس از آزمایش‌ها و معاینه‌های لازم و تایید علت فوت، برای آن‌ها جواز دفن صادر می‌شود.

سازمان اورژانس یزد اسامی ۳۶ مصدوم حادثه واژگونی اتوبوس مسافری بوشهر به مشهد که در استان یزد رخ داده را اعلام کرد.

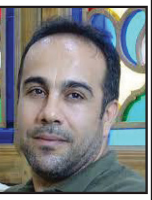
بنابر اعلام اورژانس یزد مصدومین این حادثه به بیمارستان شهید رهنمون و افشار شهرستان یزد، ضیایی شهرستان اردکان و امام جعفر صادق (ع) شهرستان میبد منتقل شدند.

رییس پلیس راه استان یزد هم گفت: عدم توجه راننده به جلو، علت واژگونی اتوبوس ارزیابی شد.

سرهنگ رحیم حاجی ده آبادی اظهار کرد: همین عدم توجه باعث شده تا اتوبوس از مسیر اصلی به مسیر انحرافی که مربوط به معدن بوده وارد شده و این حادثه تلخ رخ دهد.

اسطوره‌ها؛ انقیاد و رهایی

عبدالخالق ماجدی



محمدطاها پسرم پرسید چرا کارت‌های شانسی فوتبالی کیمدی که من برایش خرید می‌کنم بازیکنان خوب و مطرحی از کارت‌ها بیرون می‌آید ولی هروقت خودش انتخاب می‌کند بازیکنانش معمولی و تکراری هستند. بلادرنگ جواب دادم که من کارت‌ها را برای تو با عشق انتخاب می‌کنم. چند دقیقه که گذشت به جوابم فکر کردم و شرمگین شدم. باید به پسرم می‌گفتم که فقط و فقط شانس و تصادف در آن دخیل بوده و هیچ دلیلی دیگری نداشته و می‌توانسته نتیجه انتخاب تصادفی من، چیز دیگری باشد. من چندصد صفحه و چندین کتاب از استیون نوولا،دانیل کاهنمَن و نسیم نیکولاس طالب درباره ذهن انسان خوانده‌ام و خطاهای شناختی را در گفتگوها،کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی توضیح می‌دهم ولی پاسخی که به محمدطاها دادم دقیقا برخلاف چیزی بود که در کلاس‌ها قصد اصلاحش دارم.

ذهن انسان با داده‌های پیشینی خود داستان سرایی می‌کند و با صرف کمترین انرژی و بدون زحمت داستانی منسجم و ساده می‌سازد که در اکثر مواقع مورد قبول صاحب ذهن واقع می‌شود. ما انسان‌ها ابهام و تناقض و تعارض را دوست نداریم و بایگانی تصاویر ذهنی ما پر از داستان و روایت‌های یک‌دست و بدون تناقض است. با کشیدن هاله‌ای دور سر یک نفر، او را قدیس و اسطوره می‌کنیم یا از او یک دیو می‌سازیم. رابطه ذهن و اسطوره متقابل و دیالکتیک است یعنی این‌که متقابلا اسطوره ها هم انسجام بخش و باعث همبستگی اذهان جامعه می‌شوند.

در فضای مجازی کلیپ نوجوانی دیدم که دوست داشت فیلمی تخیلی بسازد تا فریدون، ضحاک را در دماوند به بند کشیده و با کشتن او و دیگر دیوها ایران را آباد کند و این کلیپ در چند روز اخیر با استقبال گسترده‌ای مواجه شده است. ذهن شرقی هنوز اسیر و عاشق اسطوره‌هایش است تا بیایند و او را نجات بدهند. جامعه مستأصل ناامید از آینده، هربار با بازنمایی تصاویر ذهنی گذشته، اسطوره‌هایش را بازآفرینی می‌کند. پدر اسطوره است ولی به صورت ادواری با کشتن پدر، باز پدری جدید بازتولید می‌کنیم که تکرار همان داستان قدیمی است و انقیاد بازتکرار می‌شود و خبری از رهایی تدریجی نیست. جامعه‌ی اسطوره‌ای فقط از لحاظ فیزیکی رشد می کند ولی به بلوغ ذهنی نمی‌رسد.

پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و تبدیل کشور به خرابه‌ای با میلیون‌ها کشته، «هیروهیتو»امپراطور ژاپن در صفحه تلویزیون ظاهر شد و به مردم گفت:«من خدا نیستم، من هیروهیتو هستم و بابت اشتباهاتم متاسفم» ولی مردم اشک می‌ریختند و حرف‌های او را باور نمی‌کردند.

«هیروهیتو» یک‌صد و بیست و چهارمین امپراطور ژاپن بود و در بایگانی ذهنی مردم، میلیاردها میلیارد تصویر از امپراطورها و اسطوره‌ها وجود داشت و هضم آن لحظه تاریخی برای مردم ژاپن راحت نبود. سرزمینی که دارای هفت درصد منابع طبیعی دنیاست اگر بصورت تدریجی تصاویر و کلیشه‌های ذهنی‌اش را اصلاح نکند آینده روشنی نخواهد داشت. داگلاس نورث و دانیل کاهنمَن هم براین باورند که اصلاح تصاویر ذهنی یک جامعه بصورت تدریجی و با زحمت امکان‌پذیر است ولی راحت نیست حتی اگر نسبت به آن‌ها آگاهی داشته باشیم.

کمبود مدارس تیزهوشان یا عدم روحیه خودباوری؟!

استان بوشهر همچنان بدون رتبه تک رقمی در کنکور

محمد وطن خواه – مشاور تحصیلی و کنکوری استان بوشهر



کنکور ما ماراتنی نفس گیر و تعیین کننده در سیر زندگی همه فرزندان ماست به نظر می‌رسد هرچه نتیجه یا رتبه بهتری حاصل شود احتمال رسیدن به شادکامی در آینده شغلی بیشتر می‌شود.

موضوع بحث این است که چرا استان همجوار ما هرمزگان با پتانسیل مشابه نفر اول کنکور تجربی در خود پرورش می‌دهد ولی استان بوشهر به رغم پتانسیل بالا و داشتن استعداد بیشتر ولی در زمینه پرورش رتبه برتر تک رقمی کنکور همچنان غایب است.

یقیناً پاسخی که در ذهن متبادر می‌شود در سه بخش می‌توان جستجو کرد؛ عملکرد سیستم آموزشی و تعیین استراتژی تحصیلی و به تبع آن هدف گذاری خود در سطوح مدارس به ویژه مدارس استعدادهای درخشان و نمونه دولتی.

سبک زندگی خانواده که خود در دو بخش ایجاد خودباوری و باور تک رقمی شدن در ذهن دانش آموز برنامه‌ریزی متناسب با هدف گذاری خود در سطح رسیدن به رتبه تک رقمی شدن و استفاده از همه ابزارهای متناسب با آن مثل کلاس‌های آموزشی و اساتید و مشاورین خبره کنکوری گسترش مدارس سمپات مطابق با ظرفیت استان و مناطق آن و هدایت دانش آموزان با نبوغ بالا و تیزهوش به این مدارس و مهمتر از آن استفاده از آموزشی‌های برتر با هدف گذاری بالا.

حال به عنوان کسی که مدت‌هاست در زمینه مشاور تحصیلی و انتخاب رشته در این مثل مسیر متفاوت با غم و شادی فرزندان این دیار همراه بوده‌ام چند توصیه راهبردی برای دست یابی به این حلقه مفقوده در استان بوشهر دارم.

اول: توجه به آموزش پایه در مقطع ابتدایی جهت شکل گیری مطلوب و همه جانبه شخصیت دانش آموزان.

دوم: توجه به اهمیت کیفیت آموزشی مدارس و استفاده از دبیران و اساتید در سطوح کیفیتی برتر جهت پرورش استعدادهای درخشان در قواره تک رقمی شدن.

سوم: توجه به ساعات مطالعه بالا و تقویت پشتکار دانش آموز و اهمیت اکتشافات دانش آموز در مسیر مطالعه مفهومی و روحیه خود باوری.

چهارم: برنامه‌ریزی و حمایت مسئولین امر در رشد و توسعه نگاه کمال گرایانه، پرورش دانش آموزان شاخص و الگوبرداری از استان‌های موفق در این زمینه.

به امید حضور دانش آموزان نخبه بوشهری در بین رتبه‌های تک رقمی کشور و افزایش موفقیت های تحصیلی دانش آموزان این استان./ آئینه جم

افت تحصیلی و علمی دانش‌آموزان در بوشهر

علی ایزدی – گناوه



افت تحصیلی و علمی دانش‌آموزان فراگیر است و عوامل زیادی دارد:

مهمترین عامل آن: پیدایش و برپایی چندین گونه مدرسه؛ دولتی، غیر انتفاعی، نمونه‌ی دولتی، نمونه‌ی شاهد و تیزهوشان. در هیچ کجای جهان چنین چیزی نیست!

آسیب‌های روحی و روانی و جسمی بر پیکر و روان کودکی که در آزمون تیزهوشان پذیرفته نشده و نیز بر خانواده‌اش جبران ناپذیر است! این کودک انگار و باور می کند که کند ذهن و بی استعداد است. از شنیدن واژه ی تیزهوشان نزد دوستان و آشنایان و همسالان، خود و خانواده‌اش شرمسار و افسرده می‌شود و این رویداد تا همیشه مانند خوره همراهش خواهد ماند و گاه و بیگاه سراغش می آید و زخم می زند! آن هم بخاطر یا یک آزمون آبکی یک روزه !

بیندیشید آیا این کودک می‌تواند کمر راست کند و با دوستان و همکلاسی‌های پذیرفته شده چونان گذشته باشد؟! آن سوی دیگر: کودکی که تنها با یک گزینه‌ی درست بیشتر از دوست و همکلاسی‌اش پذیرفته شده، آن‌قدر زیر فشار والدین و معلم و مدرسه گیر می کند که له می‌شود و روان و جانش می‌فرساید...! تنها سودی که دارد برای دو گروه است: پول و هزینه‌های مدرسه که به جیب دولت می‌رود، و پز دادن مادر کودک به در و همسایه و فامیل...! این طرح نامبارک، تبعیض‌آمیز، ویرانگر و خانمان سوز را برچینید تا خسارت بیشتری بار نیاورده است!

زندگی آگاهانه

خستگی تصمیم‌گیری

حسین زیرراهی– مدرس مهارت‌های توسعه فردی



حتما شما هم توجه کرده‌اید که برخی از مشاهیر دنیای امروز مانند بیل گیتس، استیو جابز و مارک زاکربرگ لباس یکسانی به تن داشته یا دارند. بیل گیتس همیشه کت و شلواری خاکستری، استیو جابز یقه اسکی تیره و زاکربرگ تیشرت آستین کوتاه. به راستی چرا پولدارترین مردان جهان همیشه لباسی یکسان به تن دارند؟ جواب کوتاه این است که این افراد کارهای مهمتری به جای انتخاب لباس روزانه دارند که باید انجام دهند. پاسخ بلند را در ادامه می‌توانید مطالعه کنید.

اصطلاح خستگی تصمیم‌گیری را اولین بار روانشناس اجتماعی روی باومایستر وارد ادبیات روانشناسی و علوم مغز اعصاب کرد. باومایستر را می‌توان صاحب‌نظرترین فرد در زمینه بررسی نیروی اراده دانست و بیشترین تحقیقات را در این زمینه انجام داده است. از نظر ایشان مقدار نیروی اراده ما در طول یک روز تقریبا ثابت است و با استفاده از آن مرتب کم می‌شود. چنان‌که در پایان روز دیگر ته‌مانده‌ای بیشتر از آن باقی نمانده است. اغلب کارهایی که ما در طول یک روز انجام می‌دهیم مقداری از اراده ما را مصرف می‌کند. کارهای بدنی، فکری و حتی بیدار ماندن و نهایتا انتخاب‌های‌مان. ما در یک روز تقریبا حدود سی هزار تصمیم می‌گیریم که این کار مانند دیگر کارهای روزانه از ظرف اراده می‌کاهد. البته چون بیشتر کارهای ما از روی عادت انجام می‌شود خودمان به این تعداد تصمیم آگاه نیستیم. ولی دقیقا از لحظه‌ای که به بیداری می‌شویم تصمیم‌گیری ما شروع می شود: الان بلند شوم یا کمی بیشتر بخوابم؟ صورتم را اصلاح کنم یا نه؟ دوش بگیرم یا نه؟ صبحانه چی بخورم؟ چه لباسی بپوشم؟ با چه وسیله‌ای سر کار بروم؟ از چه مسیری بروم؟

البته تصمیمات بزرگتر مقدار بیشتری اراده مصرف می‌کند. مثلا اگر بخواهید یک کت و شلوار را با کراوات، پیراهن و کفش و جوراب سِت کنید قطعا هم، زمان و هم اراده بیشتری را از شما می گیرد. مشاهیری که نام بردیم این فرایند را حذف کرده و هر روز همان لباس تکراری را می‌پوشند تا بتوانند نیروی اراده خود را صرف کارهای مهمتر خود کنند. خستگی تصمیم‌گیری در مورد انتخاب‌هایی که تعداد گزینه‌های آن زیاد باشد یا آن‌هایی که ما نتوانیم بین دو گزینه یکی را انتخاب کنیم بیشتر می‌شود. مثلا اگر شما به مغازه‌ای بروید که پانزده نوع ماست برای فروش داشته باشد اگر از قبل ندانید کدام را می‌خواهید بخرید ممکن است پس از صرف زمان زیاد و کلافگی نتوانید یکی را انتخاب کنید و کلا قید خرید ماست را بزنید. یا خانمی که کل یک بازار را برای خرید یک لباس می‌چرخد دست آخر ممکن است یا چیزی نخرد یا با انتخابی بد کار را به اتمام برساند. چون وقتی ظرف اراده انسان خالی می‌شود در نهایت تسلیم شده و انتخابی دم دستی انجام می‌دهد. به همین دلیل برخی فروشندگان ترجیح می‌دهند گزینه‌های کمتری ارائه دهند تا خریدار راحت‌تر تصمیم بگیرد.

نتیجه این‌که سعی کنید در ابتدای صبح تصمیمات کم‌اهمیت و پیش پا افتاده خود را کم کنید تا به زمان بعد از ظهر و شب موکول کنید تا بتوانید نیروی اراده‌تان را برای انجام کارهای مهم روزانه نگه دارید.

روایت مردمان سرزمین مدارا

کمبود امکانات درمانی استان بوشهر، مردم را آواره غربت کرده

جمیل رزمی



تلفنم زنگ خورد، دوست دوران کودکی‌ام، حبیب بود، به اصرار از من خواست تا به دیدنش بروم. از خانه زدم بیرون هوا آن‌قدر گرم بود که تحملش برایم سخت بود نگاهی به آسمان انداختم احساس کردم آسمان باهمه عظمتش دچارآلزایمرشدیدی شده است به طوری که ریموت آفتاب را گم کرده است و از سرلجبازی خیره‌سرانه بر این بندر بی‌سایه‌بان می‌تابد. با ماشین هنوز وارد خیابان بیمارستان ۲۵ شهریور یا همان بیمارستان فاطمه زهرا نشده بودم که ماشین درحالت خاموشی مسافتی را طی کرد و بعد ازحرکت، ایستاد.

الان دقیقا روبروی بیمارستانی هستم که زمانی به عنوان تنها بیمارستان شهر رونق داشت و بیماران فراوانی را درمان کرده بود و امروز ویرانه‌ای بیش نیست. کاپوت ماشین را بالا زدم از سر استیصال نگاهی به سیم ها، باطری و هر چیزی که به نظرم می‌رسید انداختم و بعد بطری آب را روی رادیاتور وارو کردم. برای لحظاتی چشم‌هایم را برهم نهادم و احساس کردم از پشت سرم صدای ازدحام و شلوغی رهگذران را می‌شنوم، نگاهم را به سمت صدا برمی‌گردانم، در جلو بیمارستان مردی را می‌بینم که با لبخند در حالی که جعبه شیرینی را در دست پله‌های ورودی بیمارستان را دوتا یکی می‌کند تا هر چه سریع‌تر خودش را به بخش زنان و اتاق نوزدان برساند. در سمت دیگر عده‌ای با موهای ژولیده و با لباس مشکی و چهره‌های سرد و یخزده به دیوار و ستون‌های بیمارستان تکیه زده‌اند و زنانی که شیون سرمی‌دهند و بر سر و روی خود می‌زنند تا اندکی آرام شوند. درآن حال ماشین اورژانس با سرعت و بدون آژیر جلو در بیمارستان توقف کرد. رحمان راننده پیکان متالیک طوسی رنگ که همیشه جلو در بیمارستان بیماران و عیادت‌کنندگان راجابجا می‌کرد، مثل همیشه باسرعت خودش را به آمبولانس رساند تا در پیاده کردن بیمار به کارکنان آمبولانس کمک کند. روبروی بیمارستان، کنار دیوار ساختمان کهنه‌ای که مربوط به آموزش و پرورش است عده‌ای بر روی پتوها و زیلوهای کهنه و مندرسی نشسته‌اند و در حالی که چای می‌خورند و قلیون می کشند با هم صحبت می‌کنند. کم‌کم به ساعت ملاقات نزدیک می‌شد و عیادت‌کنندگان با اجازه ماموران به سرعت به سمت بخش‌های مختلف بیمارستان حرکت کردند. در این حال و هوا بودم که بوق تاکسی زرد رنگ زوار دررفته‌ای مرا به خود آورد، راننده تاکسی شیشه را پائین کشید و گفت بنزین تمام کردی، آب نمی‌خواهی، چیزی لازم نداری؟ فقط گفتم نه و از او تشکر کردم.

با رفتن تاکسی خودم را در آن فضا تنها دیدم وهیچ اثری از آن‌ها در اطراف خودم ندیدم.

زمانی گذشته بود با خودم فکر می‌کنم که ماشین حتما باید سرد شده باشد، سوئیچ را می‌چرخانم با تک استارت ماشین روشن می شود. مسیرم را به سمت چهارمحل ادامه می‌دهم هنوز صدمتری دور نشدم که چشمم به ساختمان متروکه دیگری افتاد که درگذشته به آن مرکز قرنطینه می گفتند و بعدها با تعمیراتی که بر روی آن انجام دادند به یک درمانگاه تخصصی تبدیل شد که به آن درمانگاه ابوالفضل می‌گفتند. در این مکان هم خدمات درمانی خوبی به مردم ارائه می دادند که آن هم الان تعطیل شده است و غبار کهنگی از سر و رویش می‌بارد، می‌مانم که با وجود داشتن دو مکان در بهترین نقاط خوب شهر، چرا وضعیت این دو مرکز درمانی که می‌تواند بخشی از مشکلات شهر را حل کند به این روز افتاده است و کسی سراغی از آن‌ها نمی گیرد؟

از آن‌جا دور می‌شوم به نزدیکی خانه دوستم که می‌رسم. ماشینم را در گوشه‌ای پارک می کنم و به سمت خانه او می‌روم. پارچه‌های مشکی و بنرهای عرض تسلیت فامیل، دوستان و اهالی محل بر در و دیوار کوچه نصب شده است. جلوتر می‌روم و زنگ خانه را می‌زنم، در باز می‌شود حبیب را در آستانه در می‌بینم از سرخی چشمانش می‌شد حال و روز او را فهمید. او را در آغوش می گیرم، همراه او وارد خانه می‌شوم. مدتی بین‌مان سکوت برقرار



شد سرانجام سکوتش را شکست و رو کرد به من و گفت: تو را بخدا تو را به ابوالفضل تو را به هر کس که می‌پرستید بنویسید که این حق ما نیست که در این شرایط نابسامان اقتصادی علاوه بر هزینه گزاف درمان، این‌گونه برای درمان عزیزان‌مان دربدر و آواره غربت بشویم.

گفتم جریان چیه و او کل ماجرا را برایم تعریف کرد. حبیب گفت: مدتی بود که مادر همسرم دچار دردهایی شده بود که درست تشخیص نمی‌دادند، آزمایش‌های جورواجوری انجام دادیم، سرانجام به پیشنهاد اطرافیان تصمیم گرفتیم برای درمان بهتر او را به شیراز ببریم. من تا حدی که برایم مقدور بود پیگیر بیماری او شدم ولی تا کی می‌شد مرخصی



گرفت. به ناچار خواهرزن‌هایم که مراقبت از مادر را وظیفه و تکلیف خود می‌دانستند به همراه او به شیراز رفتند. در این مدت ده روزی که به شیراز رفتند علاوه بر هزینه‌های بیمارستان و دارو، مبلغ پنجاه میلیون تومان هم بابت بیتوته پرداخت کردند. در این‌ها حرفی نیست، اما آوارگی و دربدری چهار زن که خود مادر چهار خانواده هستند، خانواده‌ها را دچار بحران کرده بود و آن‌ها حاضر نبودند که مادرشان را در این لحظات حساس رها کنند و حاضر شدند تا در این واپسین لحظات در خدمت مادرشان باشند از همه مهمتر این که این همه رنج غربت هیچ فایده‌ای دربرنداشت و این مادر پس از تحمل درد و رنج فراوان مرد. متاسفانه بیمارستان قلب بوشهر فاقد باطری قلب برای بیماران منتظر و چشم انتظار است و حال آن که در تمام بیمارستان‌های شیراز چنین مشکلی ندارند و باتری قلب موجود است. این را دیگر نمی‌دانم به چه چیزی نسبت دهم، بی‌کفایتی مسئولین درمان استان که از بیان آن هم خسته شده‌ایم و یا محرومیتی که از سر و کول این شهر و استان می‌بارد. من از شما خواهش می‌کنم گرفتاری مردم را ببینید و آن را بنویسید.

کمی که آرام شد، گفت: بنویس این مردم خیلی گناه دارند، ساخت یک بیمارستان فوق تخصصی برای بیماران صعب‌العلاج سرطانی که در آن بشود بیماران‌شان را در همین جا شیمی درمانی کنند درخواست زیادی نیست. با این کار به مردم خدمت کنید. این حق مردم است که در مرکز استان یک بیمارستان فوق تخصصی باشد تا بعد هم شاید برای شهرستان‌های دیگر فکری شود. تا دیگر زنان، مادران وخواهران ما در غربت اسیر و گرفتار نشوند.

به این‌جا که رسید خیلی آرام گریست از او و خانه ماتم زده‌اش که دور شدم صدای التماسش که می‌گفت: تو را بخدا، تو را به ابوالفضل تو را به هرکس که می‌پرستید در روزنامه بنویسید این مردم والله آدم‌های خوبی هستند، این مردم بسیار قانع هستند که با شما این‌گونه مدارا می‌کنند. نمی‌خواهم بگویم این شهر و استان ما چه و چه و چه دارد، اما همه‌ی داشته‌های‌شان مردم نجیب‌شان است که صبر بسیاری دارند. مگر مردم به چه زبانی باید کمبود خودشان را بگویند.

با شنیدن این حرف‌ها دیگر گرمی و داغ بودن هوا و تابش شدید آفتاب را احساس نمی‌کنم به خانه‌ام برمی‌گردم و قلم برمی‌دارم تا «حکایت مردمان سرزمین مدارا» را به عنوان یک مطالبه بر حق در هفته‌نامه نسیم‌جنوب چاپ کنم و حتی برای پیگیری و تحقق این درخواست مردم، دیداری با زعمای قوم اعم از استاندار، نمایندگان مجلس، رئیس دانشگاه علوم پزشکی، شخصیت‌ها و فعالان اجتماعی، اصناف و بازاریان و کسبه و افراد مورد وثوق و اطمینان مردم همچون پروفسور نبی‌پور داشته باشم و از آن‌ها برای کمک به خواسته برحق مردم شهر و استان‌شان از آن‌ها مدد و یاری بخواهم، چرا که یکی از نشانه‌های توسعه‌یافتگی جوامع توسعه‌یافتگی بهداشت و درمان مردم آن جامعه در تمامی سطوح آن می‌باشد. امید آن که اقبال این مردم رخ نماید، باقی خداست.

ضعف مدیریت استان بوشهر در جلوگیری از تخریب مدرسه دخترانه

ولید صفری



چرا هیچ‌کس پاسخگوی تخریب شبانه مدرسه در بوشهر نیست؟ آیا در این ماجرا مسائل پشت پرده و انگیزه‌های سیاسی وجود دارد که از چشم مردم پنهان مانده است؟ چگونه می‌شود که مدیران ارشد استان، با وجود اهمیت حیاتی این موضوع، نتوانستند این موضوع مهم را مدیریت کنند؟

امروز این یک خواست عمومی و مطالبه اساسی مردم است که مسئولان پاسخگوی اقدامات و تصمیمات خود باشند. تخریب این مدرسه که می‌توانست چند صد نفر از دانش‌آموزان را در مسیر علم و دانش قرار دهد، به شکلی بی‌پروا و بی‌باکانه انجام گرفته است. این اقدام نه تنها به هویت فرهنگی و اجتماعی ما لطمه وارد کرده، بلکه کرامت انسانی را در برابر چشم مردم تحقیر



کرده است.

آیا وقت آن نرسیده است که مسئولان با شفافیت و صداقت بیشتری به مردم پاسخ دهند؟

این اقدام نه تنها یک تخریب فیزیکی بلکه نمادی از فروپاشی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی است که جامعه ما به آن‌ها تکیه دارد. مردم خواستار عدالت و احیای هویت خود هستند و هرگونه سکوت یا بی‌تفاوتی در این زمینه، به منزله تایید چنین اقداماتی تلقی خواهد شد. مدیران و مسئولان باید بدانند که پاسخگویی در برابر مردم، نه تنها یک وظیفه اداری بلکه یک تکلیف اخلاقی و انسانی است. بی‌توجهی به این موضوع، اعتبار دستگاه‌های اجرایی را به چالش می‌کشد و اعتماد عمومی را بیش از پیش کاهش خواهد داد.

۹ نفر کشته و ۳ مصدوم در واژگونی یک خودرو در جاده عسلویه به کنگان

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان بوشهر از واژگونی یک دستگاه خودرو پژوه ۴۰۵ در محور عسلویه به کنگان با ۹ نفر کشته و ۳ مصدوم خبر داد. «احسان ایزدپناه» در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: مقارن ساعت ۴:۱۲ بامداد امروز گزارش یک سانحه رانندگی در کیلومتر ۱۰ جاده عسلویه به کنگان دریافت شد. همکاران ما در پایگاه امداد و نجات پرک ساعت ۴:۲۰ دقیقه بامداد به صحنه واژگونی خودرو رسیده که پس از تلاش و با عملیات رهاسازی موفق به بیرون آوردن سه مصدوم از این خودرو شدند.

ایزدپناه با اعلام این که راننده ایرانی این خودرو جزو کشته شدگان بوده، ادامه داد: ۱۱ نفر از سرنشینان این خودرو اتباع بیگانه بوده که به شکل غیرمجاز وارد کشور شده اند.

مصاحبه با الهه غریب زاده، پژوهشگر فرهنگ بومی و لباس سنتی در بوشهر:

لباس‌های محلی بوشهر؛ یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های فرهنگی



– انگیزه شما از پژوهش درباره لباس در بوشهر چه بود؟

– در طول همه این سال ها و با توجه به تجربیات ملی و بین المللی فرهنگی همواره با نبود منبع مشخصی از وضعیت لباس بوشهری مواجه بودم. متاسفانه در آرشیو کتب منتشر شده بوشهر تا قبل از سال ۹۸، ما با نبود حتی یک تیتر کتاب در حوزه لباس مواجه بودیم یا لااقل من برخورد نکردم و متاسفانه با نگاهی به شیوه‌های قومی و عادات سنتی افراد و با نیل به فرهنگ کهن دیارمان، وجود عوامل بیرونی ناشی از مدرنیته موجب کمرنگی و در اغلب موارد منسوخ گردیدن برخی آداب و رسوم شده که خوشبختانه همچنان ما شاهد ریشه‌های آن در کالبد جامعه چه از لحاظ تبلیغات فرهنگی و چه از لحاظ ثبت و ضبط این مهم هستیم.

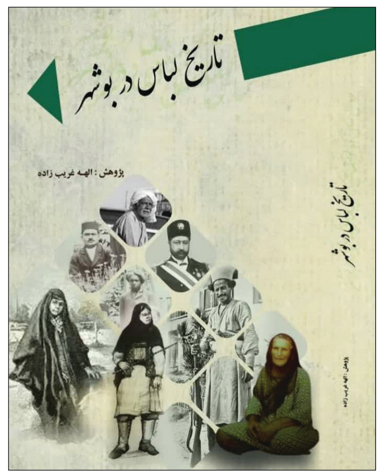
بی‌شک مطالعات میدانی رکن تاثیرگذار پژوهش‌های اجتماعی و مردم شناسی است. نظر به از دست رفتن پیران طلایی و منسوخ شدن این میراث ارزشمند و جایگزین گردیدن آن با لباس‌های امروزی و دیگر اقوام مهاجر ساکن در این خطه و آشناسازی نسل جوان با لباس اصیل بوشهری، به مطالعات تحقیقی و میدانی روی آوردم تا گامی را جهت پاسداشت و معرفی این مهم برداشته باشم.

– به عنوان یک پژوهشگر، آیا کتاب را قالب مناسبی برای میراث فرهنگی و پوششی منطقه بوشهر یافتید؟

– نکته‌ای که با توجه به درجه تاثیرگذاری فزاینده آن در جامعه دارد، بایستی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد، مبحث پوشش ها و یکسان‌سازی آن در گروه‌های عدیده فرهنگی و هنری است که بی‌شک خدشه وارد شدن به آن و عدم توجه کافی از سوی افراد در جامعه ضربه‌ای جبران‌ناپذیر را به مقوله فرهنگی اجتماعی وارد خواهد کرد؛ که متاسفانه امروزه ما شاهد لباس‌هایی منافات با سنت اصیل بوشهری و بصورت جایگزینی نامناسب برای ارزش‌های پوشاک بنیادی هستیم که به علت رنگ و لعاب آن و عدم آگاهی نسل نو یافته، مورد پذیرش اجتماعی شده و به عنوان ارزش و الگو در سایر شهرها و کشورها قلمداد گردیده است. بی شک، لباس های محلی اهالی استان بوشهر یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های فرهنگی این منطقه به شمار می رود. انشاله امیدواریم که این کتاب با بخش‌های تنظیم یافته متنوع می تواند قالبی مناسب برای صیانت از میراث فرهنگی و معنوی دیارمان باشد.

– فکر می‌کنید با احیای فرهنگ اصیل و دیرینه این زادبوم، نسل امروز این منطقه را چگونه می‌توان با آن پیوند داد و گسست فرهنگی موجود را جبران کرد؟

– امروزه نگاهی که از سوی رسانه‌ها، سازمان میراث فرهنگی و حتی بسیاری از مردم‌شناسان و فرهنگ‌شناسان ما ترویج می‌شود نگاه زینتی و تفریحی به سنت است. نگاهی زیبایی‌شناسانه که مبتنی بر معرفی آداب عروسی و عزای اقوام مختلف، بازی‌های محلی، جشن‌های بومی است. نگاهی که مراجعه به سنت را نوعی سرگرمی می‌داند؛ مثل شرکت در یک کارناوال یا مشاهده یک مرکز خرید و در بهترین حالت مراجعه به فرهنگ و میراث تمدنی با نگاه موزه‌ای و برای کسب معلومات عمومی درباره لباس‌ها و خوراک‌های اقوام گوناگون. این نگاه به سنت اگرچه بد نیست اما نوعی تصور را در پس خود ترویج می‌کند که سنت امری تمام شده و مربوط به گذشته است که به درد زندگی امروز ما نمی‌خورد. آشنایی با لباسی که هرگز آن را نخواهیم پوشید و خرافاتی که به آنان پوزخند خواهیم زد. این نگاه به سنت، صرفا یک بازی احساسی و میلی نوستالژیک به گذشته‌ای است که از دست رفته و هر طور شده باید حفظش کرد. اما نگاه اندیشه‌ورزانه به سنت، به دنبال بهره‌گیری از آن، فرهنگ و تمدن ایرانی به عنوان پلی برای آینده است؛ مراجعه به سنت برای این‌که خود را



دقیق بشناسیم؛ بشناسیم که ما چگونه انسان‌هایی بوده‌ایم و برای این‌که پیشرفت کنیم چگونه انسان‌هایی باید باشیم؟

بنابراین کاوش و پژوهش درباره باورهای عامیانه نه تنها از لحاظ علمی و روان‌شناسی قابل توجه است بلکه برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را نیز برای‌مان روشن می‌سازد. برخی دیگر از گفتارهای عامیانه، چون ترانه‌های کودکانه، مرز و زمان نمی‌شناسد و به اندازه‌ای با روحیه و زندگی بچه‌ها متناسب‌اند که همیشه روح و تازگی دارند و هیچ چیزی هم جانشین آن‌ها نخواهند شد.

– آیا درباره پوشاک، می‌توانید مثالی بزنید؟

– به عنوان مثال، پوشاک اقوام ایرانی نماد و پرچم یک قوم به شمار می‌رود. با یک بررسی ساده در می‌یابیم که اکثریت شهرهای کشور و قومیت‌های ایرانی، با لباس سنتی منحصر به فردشان در انظار عموم ، ظاهر می‌شوند. کمتر کسی از قوم کرد، لر، ترک، بلوچ و عرب را می‌توان یافت که با لباس قومیتی بیگانه به صحنه آید. ولی متاسفانه ما در بوشهر علی رغم تمدنی کهن و دارا بودن فرهنگ لباس پوشیدن ویژه، با چالش‌هایی مواجه می‌شویم و به دلیل مهاجرپذیری این منطقه، در اکثر جشنواره‌های ملی و بین‌المللی، با لباس برگرفته از دیگر قومیت‌های ساکن در منطقه، ظاهر شده و به معرفی دیارمان می‌پردازیم.

– در پژوهش خود درباره لباس بوشهر، بدنبال چه هستید؟

این پژوهش بنا دارد با ادای احترام و نهایت تواضع به اقوام مختلف ساکن در جای جای استان و حفظ شأن و منزلت ایشان، با به تصویر کشیدن علمی و میدانی لباس‌های اصیل مردم بوشهر، گامی را جهت فرهنگسازی این میراث ارزشمند بردارد و کماکان این ادعا را به منصه ظهور رساند که بوشهر از دیرباز تاکنون دارای لباس‌های مطابق با اندیشه، اعتقاد و بر مبنای سلیقه خاص زنان و مردان منطقه و مهمتر از همه آب و هوای گرم و مرطوبش بوده است.

– برای نوشتن این کتاب در خصوص مقوله پوشش بومی چه راهی را طی کردید و موانع و حساسیت‌های راه کدام بود؟

– در حوزه پوشاک بوشهر ما با نبود منابع کافی مواجه بودیم. کتابهای تاریخی خیلی جسته و گریخته به این مهم پرداخته بودند. عکس‌های موجود در آرشیوهای شخصی تا حدی راهگشا بود. با این وجود بر آن شدم که از طریق نگاشتن تاریخ شفاهی و تنظیم مصاحبه‌هایی از افراد متبحر، اساتید، پژوهشگران و صنف خیاطان و پیران محلات مرکزی و دیگر مناطق حوزه مطالعاتی با طبقه‌بندی موضوعی و شناخت کافی و با ساماندهی دست نویس‌ها و خاطرات ایشان، بتوانم به نتایج مطلوبی برسم.

– از چه منابعی استفاده بردید؟

– به اکثر منابع موجود نظیر سفرنامه‌های یوشیدا ماساهارو، انگلبرت کمپفر ،کارستون نیبور، پیترو دلاواله، ژان شاردن، برادلی برت و نزدیک به ۱۸ سفرنامه و کتابهای تاریخی، آرشیو بنیاد ایرانشناسی بوشهر، اداره اسناد و کتابخانه ملی استان بوشهر، موزه تاریخ پزشکی بوشهر، موزه مردم‌شناسی بوشهر، موزه تجارت و دریانوردی، کلیه کتاب‌های عکس بوشهر و مجامع علمی معتبر و پایان‌نامه‌های موجود در آرشیو کتابخانه اسناد رجوع کردم و علاوه بر بحث و بررسی با اساتید این حوزه به پای صحبت‌های پیران طلایی محلات بوشهر نشستم. البته همکاری آقای ویلم فلور ایرانشناس فرهیخته به همت اکیپ علمی موزه تاریخ پزشکی بوشهر در نقاط پایانی مسیر، بسیار مثمرثمر و موید مستندات شد.

– این آثار در چند بخش گردآوری شد و تصاویر موجود در کتاب را چگونه به‌دست آوردید؟

–کتاب «لباس سنتی بوشهر، گنجینه‌ای در دست فراموشی» با مقدمه دکتر جعفر حمیدی و تایید هیات داوران در هشت فصل با محتوای تاریخی، فرهنگی، عکس، مصاحبه‌های میدانی، فرهنگ اصطلاحات و طرح اجرایی فرهنگی تنظیم شده است و در دیگر بخش‌های آن به نحوه لباس پوشیدن زنان و مردان با اولویت محلات شهر بوشهر پرداخته و بصورت تطبیقی نحوه پوشش در شهرستانهای وابسته منطقه به اختصار توضیح داده شده است. همان طور که مستحضرید ما با حجم وسیعی از نظریات و فرضیات در حوزه لباس روبرو هستیم و مطالعات تطبیقی عدیده‌ای را می‌طلبید بنابراین دامنه تحقیقی خود را فراتر از منطقه و به سطح ملی رساندم

– کتاب در چه سالی منتشر شد؟

–کتاب جامع تاریخ لباس بوشهر در سال ۱۴۰۱ با مقدمه دکتر جعفر حمیدی و تایید هیات داوران در ۱۰ فصل در ۵۳۰ صفحه به همت انتشارات ارشدان تهران منتشر شد.

– سخن پایانی؟

–در پایان از همراهی ارزشمند اساتید ارجمندم: جناب آقای دکتر سید جعفرحمیدی، جناب آقای پرفسور ایرج نبی پور و همسر گرانقدرشان سرکار خانم دکتر کتایون وحدت و همچنین همراهی چندین ساله دکتر افسر افشار نادری نهایت تشکر را دارم.

//////////////////////////////سیاوش دهقانی

**دل من برگِ خزان نیست که بر دست نسیمی ست
برگِ خط خورده ی من بسته به یک دفتر سیمی ست**

**صحبت از برگ دلِ نازک من هست و سخن از
دست سیمینیِ یک عشق نهان سوز قدیمی ست**

**ناز لبخند تو با ناز خداداده‌ی گونه‌ت
نازیان سوی من آیند که این فرد کلیمی ست**

**رفت دارو که براندَ غم و افسردگی از مغز
رد شد و هیچ ندانست که در قلب مقیمی ست**

**کی کند خوب دوا او که از اعماق فسرده ست
خنده ی قرص و دوا بر رخ افسرده گریمی ست**

**خودفریبیِ بشر بود هر امّید که دادند
مرگ اگر راستِ تنهاست‌پس ازمرگ چه بیمی است؟**

/////////////////عاشقانه های شهراد میدری

**من که هستم؟ هیچ‌کس، اهلِ کجا؟ جایی که نیست
باز دلتنگِ تو می‌آیم به دنیایی که نیست**

**خیسِ نم‌نم‌های باران می‌رسم در می‌زنم
می‌گشایی در به رویِ مردِ تنهایی که نیست**

**با سلامم گونه‌هایت گُل می‌اندازد به ناز
خانه عطرآگینِ گلبرگِ شکوفایی که نیست**

**مات و مبهوتِ نگاهت می‌تکانم چتر را
محوِ دیدارِ تو و شوقِ بفرمایی که نیست**

**از تو می‌پرسم تو هم دلتنگ چون من بوده‌ای؟
می‌نشیند بر لبت لبخندِ حاشایی که نیست**

**آشنا هست این سکانس و این دیالوگ‌ها چقدر
قبلن اینجا بوده‌ام مهمانِ رویایی که نیست**

**شرشرِ فواره و حوض و حیاطِ اطلسی
نرده نرده پیچکِ رفته به بالایی که نیست**

**قوری از ما با سماور باز گرمِ گفتگو
باز هم لبخند و قند و سینیِ چایی که نیست**

**ذوق و شوقِ قل قلِ قلیانِ خوش‌نقشِ بلور
باز می‌پیچد شمیمِ سیب نعنایی که نیست**

**باز ساعت می‌پراند مستیِ خواب از سرم
می‌گشایم پلک را محوِ تماشایی که نیست**

**زندگی مجموعه‌ای از هست‌ها و نیست‌هاست
یادِ دیروزی که هست و وهمِ فردایی که نیست**

**این غزل، یادآورِ عشق است و من این عشق را
می‌دهم هدیه به تو با نام و امضایی که نیست**

////////////////////////// ابراهیم مهدی زاده

باغ من

**نامیرای باغ من اگر گل نمی دهد چه باک
تابوت مرگ من بارها سپرده شد به خاک
آستان طلعت عشق است و صبح پاک
ظلمت شب، فرصت سحر اگر نمی‌دهد چه باک
سال ها اندیشه بشر در جنگ و صلح گذشت
پیکار خیر و شر اگر نشد ظفر، چه باک
بی دفتر و کتاب نیست سود و زیان عشق
حدیث نامکرر روز و شب، اگر نشد تمام چه باک
سخت است ظلمت شب یلدا و انتظار مرگ
پایان قصه و جان شهرزاد، اگر نشد سحر چه باک**

خاطرات فرهاد امینی بازیکن پیشین ایرانجوان و پیشکسوت فوتبال تهران و بوشهر(۵)

پایان خدمت در بوشهر و یک تصمیم مهم ورزشی

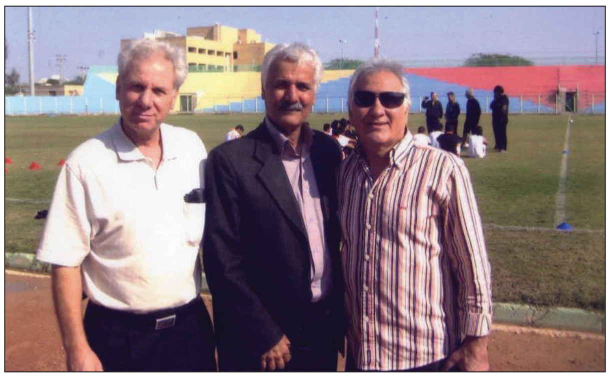
دوران خدمت سربازی ما در شهر عزیز بوشهر، محدود و مشخص بود. یادم هست روزی که برگه پایان خدمت به من و واهیک مینابیان دادند، واهیک همان روز با این‌که تمرین داشتیم به من گفت: «تو با من می‌آیی؟» کمی مکث کردم و جواب ندادم، چرا که تصمیم گرفته بودم در بوشهر بمانم و برای ایرانجوان بازی کنم. ناگهان دیدم مرا در آغوش کشید و اشک‌های‌مان جاری شد.

دقایقی در آغوش هم بودیم و هر دو صورت‌های‌مان را از هم می‌دزدیدیم و قایم می‌کردیم، من بغض کرده بودم و حالم بد شد. ناگهان واهیک با لهجه شیرین و دوست داشتنیش گفت: «از تو نمی‌تونم خداحافظی کنم، حالا چه طور بیام سرتمرین و با لباس شخصی از بازیکنانی چون فلانی و بقیه خداحافظی کنم، من مسافرم و بایست تا دیر نشده خودم را برسونم شیراز، آن هم تنهایی و بدون تو خیلی برایم سخته، نمی‌دونم اصلا صلاح هست با اتوبوس و یا سواری برم و یا مستقیم با هواپیما برم تهرون، تازه من می‌خوام یکی دو روز هم شیراز بمانم، چون ممکنه سال‌ها اینوری نیام».

من حرفاشو به جان دل شنیدم، وقتی تأیید منو دید مجدد یهویی مرا در بغل گرفت و گفت: «تو مسلمون‌ها تو مثه برادر بزرگم بودی و در بین ارامنه ورژ خچومیان بهترین بودی، همیشه مراقب و راهنمای من در زندگی و پیشرفت فوتبالم خیلی خیلی کمکم کردی.»

خلاصه شوق تمرین از سرم افتاد و مردد شدم که تمرین بروم و یا واهیک را تا پلیس راه بدرقه کنم. دقایقی در سکوت گذشت و من گفتم: «واهیک جان من میرم تمرین ایرانجوان، بچه ها و بزرگان تیم حتما سراغ تو را می گیرند و من هم حقیقت را می گویم و فضا را آماده می‌کنم برای خداحافظی، فقط تو از الان بگو چه ساعتی می‌خوای بری که من هماهنگ کنم برای خداحافظی».

قبول کرد و من خوشحال که به تمرین می‌رسم، آن زمان ما پشت مسجد برازجانی‌ها (مسجد توحید) خونه ننه باقر مستأجر بودیم و در جوار ما داماد ننه باقر هم زندگی می‌کرد، یک شاهینی چند آتیشه به نام اصغرآقا تماری و همسرش فاطمه خانم و پسر بزرگ ننه باقر که همیشه خندان بود و کمی خجالتی و در مقطعی به درس ریاضیش کمک می‌کردم، فامیلی‌شان خوشدل بود، بسیار خونگرم و دوست داشتنی و جای خالی خانواده ما را این خوبان و عزیزان پر می‌کردند. به هر روی واهیک گفت: «من اصلا طاقت خداحافظی با ننه باقر را ندارم. آن‌ها هم توی این ساعت زیر پنکه خوابیدن، چند کادو از خورموج و کاکی از قبل گرفتم و اسامی‌شان را روی آن‌ها نوشتم، توی طاقچه گذاشتم تو بهشون بده و عذرخواهی کن»، قبول کردم.



از راست: فرهاد امینی، شادروان مجید چاهیبخش، واهیک مینابیان، سال ۱۳۹۰ - بوشهر

خداحافظی همراه با بغض و گریه

خلاصه آن روز واهیک مینابیان آمد سرتمرین ولی ناگهان چنان بهم ریخت که اصلا نتونست برنامه پیش‌بینی شده را جلو ببرد و هق هق زد زیر گریه و حرف برایش نیامد، چند تایی جلو آمدند و خداحافظی کردند ولی آقا مجید چاهیبخش دست سر و روی واهیک می‌کشید و از من می‌پرسید مگه چی شده؟ دلو کله واهیک را گرفته بود، ول نمی‌کرد و هی می‌گفت: «واهیک علی بگو علی، زود برگرد و پدر و مادرت را وردار بیار، بازی داریم بازی. جام تخت جمشید با گرگ‌های تهرون بازی داریم. واهیک، مردی مرد.»

خلاصه واهیک چنان صورتش قرمز و چشم‌هایش یک کاسه خون شده بود و بعضی‌ها برای عوض کردن فضای حزن‌انگیز، شوخی می‌کردند مثل اکبر سیروس و ناصرخان خرسند و علی ماهینی و علی‌آقا نجفی که همیشه سر تمرین حاضر بودن، احمد پژن و یدالله خراجی هم خیلی واهیک را تحویل گرفتند و خلاصه واهیک کلامی حرف نزد فقط با همه بای بای کرد و رفت.

خوشبختانه ویگن برادرش قبلا مطلع شده بود و پیکان جوانان گوجه فرنگیش را آورده بود بوشهر و جلوی استادیوم ایستاده بود و چند نفری چون نادرخان اقدام و عباس‌خان شریفیان و رسول حسن‌پور و محسن هاشمی و تعدادی طرفدار مثل آقای محمدیان بزرگ و حاج آقا شهریاری و عمو دلو و حاج حسین پاسیار با کادو و بزرگوار اردشیرخان حیدری چند بسته خرما و یک‌دست لباس کامل ورزشی، واهیک را بدرقه کردند و او هم با لبی خندان و تک‌آف حرفه‌ای با بوق ممتد از جلوی استادیوم بوشهر خداحافظی کرد و رفت.

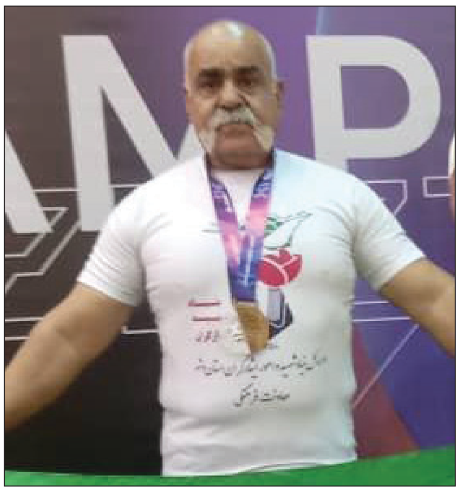


از راست: واهیک مینابیان، حسین حیدری (تینو)، رسول حسن‌پور - سال ۱۳۵۳

ولی من آن روز اصلا نتونستم تمرین کنم و حالم گرفته شده بود، تا این‌که از شیراز فردای خداحافظی تماس گرفت و عذرخواهی و دلتنگی و قول داد همدیگر را هرچه زودتر ببینیم، من هم برایش بهترین‌ها را آرزو کردم.

ناصر مولایی قهرمان ۶۶ ساله بدن‌سازی:

هیچ وقت برای شروع، دیر نیست!



–خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– بنده ناصر مولایی هستم و در رشته ورزشی بدن‌سازی شاخه پاورلیفتینگ، پرس سینه و ددلیفت اسکوات فعالیت دارم.

–فعالیت ورزشی خود را از چه سالی آغاز کردید و چه عناوینی را به دست آورده‌اید؟

–من ورزش در این رشته را از سال ۱۳۹۸ به صورت آماتور شروع کردم و در این مدت کوتاه ۶ ساله در مسابقات جهانی و کشوری و استانی ۲۲ مدال طلا و نقره حاصل زحمات من بوده است، از جمله مقام دوم مسابقات جهانی روسیه در رشته پاورلیفتینگ، مقام قهرمانی مسابقات کشوری تهران، مقام اول مسابقات کشوری اصفهان (شهرضا)، مقام دوم مسابقات کشوری قم و.... .

–از چند سالگی وارد این رشته شدید و الان چند سال سن دارید؟

–من از سن ۶۰ سالگی این ورزش سنگین را در رشته پاورلیفتینگ شروع کردم و هم‌اکنون ۶۶ ساله هستم.

–در این ورزش با چه مشکلات و کمبودهایی دست و پنجه نرم می‌کنید؟

–این ورزش هزینه‌های زیادی دارد و ماهانه خرج سنگینی را باید متحمل شوم که مهم‌ترین هزینه‌ها مربوط به تغذیه و تأمین مکمل‌ها می‌شود. متأسفانه با حقوق بازنشستگی و مخارج زندگیِ امروز خیلی سخت است که به صورت مطلوب و دلخواه به ورزش برسم. من به خاطر وضعیت مالی قید بیشتر مسابقات جهانی و کشوری را می‌زنم و نمی‌توانم شرکت کنم و به اصطلاح با سیلی صورت خود را سرخ نگه می‌دارم.

–آیا حمایت لازم از طرف مسؤولین از شما و تیم‌تان صورت می‌پذیرد؟

–خیر در قبال کسب عنوان و افتخارآفرینی ما برای استان، هیچ‌گونه حمایتی از طرف مسؤولین برای بنده و تیم پاورلیفتینگ باشگاه کامران صورت نپذیرفته است. تا آن جا که سراغ دارم و طی این چند سال شاهد بوده‌ام هیچ کمکی به ورزش پیشکسوتان در این رشته انجام نمی‌شود.

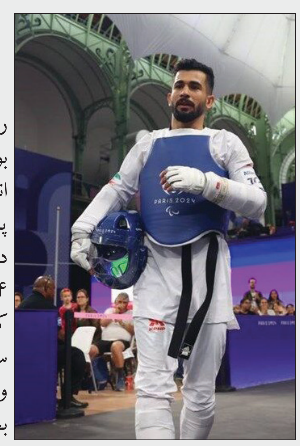
–گویا شما متولد کازرون هستید. چند سال است در بوشهر اقامت دارید و چه شد که تصمیم گرفتید در مسابقات برای تیم بوشهر به میدان بروید؟

–من مدت ۴۵ سال است که در بوشهر اقامت دارم و این شهر و مردمش واقعاً دوست داشتنی هستند که همین علاقه‌ی شدید به مردم شریف بوشهر موجب شده با افتخار به نمایندگی از بوشهر در مسابقات شرکت کنم.

–به عنوان یک پیشکسوت چه توصیه‌ای برای علاقه‌مندان به این رشته به ویژه جوانان دارید؟

–توصیه‌ای که می‌توانم برای همه به ویژه جوانان داشته باشم، این است که با ورزش سلامتی خود را بیمه می‌کنید. همه‌چیز را می‌توان خرید غیر از سلامتی. همان‌گونه که وضعیت مرا می‌بینید هیچ‌وقت برای شروع دیر نیست و توصیه می‌کنم در اولین فرصت در هر رشته ورزشی که علاقه دارید فعالیت خود را شروع کنید.

وعده استخدام دارنده مدال برنز پارالمپیک بوشهری در «شرکت توسعه پلیمر کنگان»



رئیس هیات تکواندو استان بوشهر گفت: با پیگیری‌های انجام گرفته «علیرضا بخت» پاراتکواندو کار هم استانی و دارنده مدال برنز پارالمپیک ۲۰۲۴ در «شرکت توسعه پلیمر کنگان» استخدام می‌شود.

سید جلال سید مردانی در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: «علیرضا بخت» پیش از این در یکی از شرکت‌های شهرستان دشتستان جذب شده بود که با پیگیری معاون سیاسی استاندار بوشهر زمینه استخدام وی در شرکت توسعه پلیمر کنگان فراهم شد.

وی بیان کرد: در این راستا همچنین از تلاش‌های مدیرکل ورزش و جوانان استان و همچنین پیگیری‌های نماینده شهرستان دشتستان برای حل مشکل اشتغال این ورزشکار هم استانی قدردانی می شود. بدون تردید «بخت» بعد از درخشش در میدان‌های مختلف بین المللی اکنون با داشتن یک فرصت شغلی مناسب می تواند با آرامش خاطر بیشتر ورزش قهرمانی را دنبال کند.

«بخت» تنها یکی از جوانان مستعد استان بوشهر در رشته تکواندو است و جوانان این استان در صورت حمایت مادی و معنوی هر کدام می توانند یک علیرضا بخت باشند.

مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت و گاز

چالش‌ها، روندها و بهترین شیوه‌ها برای پایداری

عبدالحمید بنچاری - کارشناس ارشد روابط عمومی در حوزه نفت و گاز



مقدمه: حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) به عنوان دو عامل کلیدی در تضمین پایداری سازمان‌ها، به ویژه در صنایع حساس مانند نفت و گاز، به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند. حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از اصول، مقررات و ساختارهایی است که به مدیریت و کنترل سازمان‌ها پرداخته و به دنبال ایجاد شفافیت، مسئولیت‌پذیری و عدالت در روابط میان ذی‌نفعان مختلف است. از سوی دیگر، CSR به تعهد شرکت‌ها در قبال مسئولیت‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی خود اشاره دارد که فراتر از الزامات قانونی حرکت می کند.

در صنایع نفت و گاز، این مفاهیم به دلیل تأثیرات زیست‌محیطی گسترده و چالش‌های اجتماعی خاص آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این نوشتار به بررسی روندهای جاری، چالش‌های اساسی و بهترین شیوه‌ها در حوزه حاکمیت شرکتی و CSR در صنعت نفت و گاز می‌پردازد. همچنین، به فرصت‌های پیش‌روی شرکت‌ها برای بهبود پایداری و کاهش اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی نیز اشاره خواهد شد.

پیشینه تاریخی حاکمیت شرکتی و CSR در صنعت نفت و گاز؛

در دهه‌های گذشته، صنایع نفت و گاز به دلیل تأثیرات گسترده زیست‌محیطی و اجتماعی خود، به‌طور قابل ملاحظه‌ای در کانون توجه قرار گرفته‌اند. با این حال، مفهوم حاکمیت شرکتی تا اوایل قرن بیستم به شکل گسترده‌ای استفاده نمی‌شد. در آن زمان، بسیاری از شرکت‌ها عمدتاً به دنبال حداکثرسازی سود و کاهش هزینه‌ها بدون توجه به پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی عملیات‌های خود بودند.

یکی از اولین گام‌های مهم در ارتقای CSR و حاکمیت شرکتی در این صنعت، معرفی «اصول استوا» در سال ۲۰۰۳ بود. این اصول که توسط نهادهای مالی بین‌المللی توسعه یافتند، بر ضرورت رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و اجتماعی در تأمین مالی پروژه‌های بزرگ صنعتی تأکید داشتند. در ادامه، پیمان جهانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ به عنوان یک چارچوب جامع برای تشویق شرکت‌ها به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، محیطی و ضدفساد معرفی شد. این پیمان با پذیرش گسترده توسط شرکت‌های بزرگ نفت و گاز، نقش مهمی در تغییر رویکرد آن‌ها به سوی پایداری داشت.

علاوه بر این، در دهه‌های اخیر جنبش‌هایی مانند اهداف توسعه پایدار (SDGs) سازمان ملل در سال ۲۰۱۵، به شرکت‌ها این اصل را یادآوری کردند که مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی به عنوان ابزارهای کلیدی در تضمین آینده‌ای پایدار و متعادل تلقی می‌شوند. در نتیجه، صنعت نفت و گاز به طور پیوسته تلاش کرده است تا با استفاده از چارچوب‌های نوین، تأثیرات منفی خود را کاهش دهد و در مسیر پایداری حرکت کند.

روندهای فعلی در حاکمیت شرکتی و CSR در صنعت نفت و گاز؛

حاکمیت شرکتی در صنعت نفت و گاز تحت تأثیر چندین روند مهم قرار دارد. یکی از این روندها، افزایش اهمیت اصول ESG (محیط‌زیست، اجتماعی و حاکمیتی) است. بسیاری از شرکت‌های بزرگ نفتی، با ادغام ESG در استراتژی‌های حاکمیتی خود، تلاش می کنند تا به مسئولیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی خود پاسخ دهند. شرکت‌ها همچنین به دنبال کاهش انتشار کربن، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و بهبود بهره‌وری انرژی هستند.

علاوه بر این، تحول دیجیتال در حال تغییر دادن شیوه‌های مدیریت و حاکمیت شرکتی است. استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی (AI) و اینترنت اشیا (IoT) به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که عملکرد زیست‌محیطی خود را بهبود بخشند، ایمنی را افزایش دهند و بهره‌وری را در عملیات‌های روزانه به حداکثر برسانند. این فناوری‌ها همچنین باعث افزایش شفافیت در گزارش‌دهی و بهبود فرآیندهای تصمیم گیری شده‌اند.

یکی دیگر از روندهای برجسته، نقش سرمایه‌گذاران نهادی در ارتقای استانداردهای حاکمیت شرکتی شامل می‌شود. این سرمایه‌گذاران که سهم عمده‌ای در شرکت‌های نفتی دارند، با رهنمود دادن به شرکت‌ها برای بهبود شفافیت و پاسخگویی در تصمیم گیری‌ها، نقش مهمی در حرکت شرکت‌ها به سوی پایداری ایفا می کنند.

از این رو، ابتکارات CSR نیز به عنوان بخشی از استراتژی‌های پایداری شرکت‌های نفتی، شامل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی پاک و تلاش برای کاهش آلاینده‌ها است. این ابتکارات به خوبی نشان می‌دهند که شرکت‌های نفتی به تدریج به اهمیت مسئولیت اجتماعی و تأثیرات بلندمدت خود بر محیط زیست و جامعه پی برده‌اند.

چالش‌های حاکمیت شرکتی و CSR در صنعت نفت و گاز؛

با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه حاکمیت شرکتی و CSR، صنعت نفت و گاز همچنان با چالش‌های متعددی مواجه است. یکی از این چالش‌ها، پیچیدگی‌های قانونی و نظارتی است. قوانین و مقررات مربوط به محیط‌زیست و اجتماعی در کشورها و مناطق مختلف به طرز چشمگیری متفاوت هستند. به همین دلیل شرکت‌های نفتی که به طور جهانی فعالیت می کنند، مجبور به سازگاری با این چارچوب‌های پیچیده و گاه متناقض هستند، و این موضوع مدیریت آن‌ها را زمان‌بر و هزینه‌بر ساخته است.

علاوه بر این، تضاد میان اهداف کوتاه‌مدت سودآوری و اهداف بلندمدت پایداری، چالشی اساسی برای شرکت‌های نفتی محسوب می‌شود. در حالی که سرمایه‌گذاران به دنبال بازدهی سریع و کوتاه‌مدت هستند، CSR و ابتکارات زیست‌محیطی اغلب نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و هزینه‌بر هستند. این تضاد باعث ایجاد مشکلاتی برای مدیریت شرکت‌ها در جهت کاهش تعهدات زیست‌محیطی و اجتماعی می‌شود.

یکی دیگر از چالش‌های اساسی، مدیریت زنجیره تأمین است. در صنعت نفت و گاز، زنجیره‌های تأمین پیچیده‌ای وجود دارد که شامل تأمین‌کنندگان متعدد در سطوح مختلف است. تضمین اینکه این تأمین‌کنندگان به استانداردهای CSR و حاکمیت شرکتی پایبند باشند، می‌تواند برای شرکت‌ها چالش‌برانگیز باشد. با این وجود، انتظارات مختلف سهامداران و ذی‌نفعان نیز چالشی برای شرکت‌های نفتی به شمار می‌رود. ذی‌نفعان مختلف شامل سرمایه‌گذاران، جوامع محلی و نهادهای غیردولتی، هرکدام انتظارات متفاوتی از شرکت‌ها دارند که مدیریت این انتظارات و ایجاد تعادل بین آن‌ها دشوار به نظر می‌رسد.

بهترین شیوه‌ها و استراتژی‌ها برای حاکمیت شرکتی و CSR؛

در مواجهه با چالش‌های ذکر شده، برخی از شرکت‌های نفت و گاز با موفقیت شیوه‌های نوآورانه‌ای را برای بهبود حاکمیت شرکتی وCSR به کار گرفته‌اند. یکی از این شیوه‌ها، ایجاد هیئت‌مدیره‌های مستقل و متنوع است. شرکت‌های نفتی باید اعضای هیئت‌مدیره‌ای با تخصص‌های مختلف از جمله در زمینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی داشته باشند تا تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تری انجام دهند. مشارکت با ذی‌نفعان نیز به عنوان یکی از بهترین شیوه‌ها در مدیریت CSR شناخته شده است. شرکت‌های موفق در حوزه CSR، به طور فعال با جوامع محلی، نهادهای غیردولتی و دیگر گروه‌های ذی‌نفع تعامل می کنند تا نیازها و دغدغه‌های آن‌ها را در برنامه‌های خود لحاظ کنند. گزارش‌دهی شفاف و استاندارد در زمینه عملکرد CSR نیز به عنوان یکی از الزامات اساسی شناخته می‌شود.

فرصت‌ها و جهت‌گیری‌های آینده در حاکمیت شرکتی و CSR؛

صنعت نفت و گاز در آینده با فرصت‌های بسیاری برای بهبود پایداری مواجه خواهد بود. انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش ردپای کربنی از جمله مهم‌ترین این فرصت‌ها است. شرکت‌های نفتی که در پروژه‌های انرژی پاک سرمایه‌گذاری کنند، نه تنها می‌توانند اثرات زیست‌محیطی خود را کاهش دهند، بلکه می‌توانند در بازارهای جدیدی نیز به رقابت بپردازند.

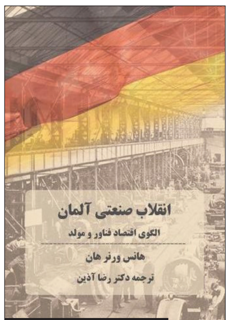
همکاری‌های بین‌المللی و بین صنعتی نیز به عنوان یک فرصت مهم برای شرکت‌ها به شمار می‌رود. شرکت‌های نفتی می‌توانند با همکاری با سازمان‌های غیردولتی، دولت‌ها و دیگر صنایع، در توسعه راه‌حل‌های پایدار و کاهش اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی نقش مهمی ایفا کنند.

علاوه بر این، استفاده از تکنولوژی‌های نوین مانند هوش مصنوعی و اینترنت اشیا به شرکت‌ها کمک خواهد کرد تا عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی خود را بهبود بخشند و هزینه‌های عملیاتی خود را کاهش دهند.

نتیجه‌گیری: حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکتی در صنعت نفت و گاز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شرکت‌ها با پذیرش اصول ESG، استفاده از تکنولوژی‌های نوین و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی پاک، قادرند نقش مثبت و ارزنده‌ای را در کاهش اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی ایفا کنند. با این حال، چالش‌هایی همچون پیچیدگی‌های قانونی و تضاد منافع بین ذی‌نفعان، نیاز به تدابیر مدیریتی نوآورانه و شیوه‌های جدید حاکمیت شرکتی دارند.

با این حال شرکت‌های نفتی با بهره‌گیری از فرصت‌های جدید و همکاری‌های گسترده‌تر می‌بایست به سوی پایداری حرکت کنند و در عین حال سهم خود را در ایجاد جامعه‌ای پایدارتر افزایش دهند.

ترجمه کتاب «انقلاب صنعتی آلمان» توسط مترجم بوشهری





کتاب «انقلاب صنعتی آلمان: الگوی اقتصاد فناور و مولد» با ترجمه دکتر رضا آذین، استاد دانشگاه و مترجم بوشهری، توسط انتشارات نهادگرا به مرحله چاپ رسید.

دکتر رضا آذین درباره ترجمه این کتاب گفت: از زمان شروع به کار روی این اثر، کسب مجوز رسمی از ناشر آلمانی کتاب اصلی (انتشارات De Gruyter) یکی از دغدغه‌های من بود، چرا که ترجمه و چاپ آن با توجه به پیوستن ایران به قانون کپی‌رایت، نیاز به هماهنگی با ناشر و موافقت رسمی آن مؤسسه داشت.

آقای دکتر هانس ورنر هان نویسندهٔ کتاب، نقش مؤثری در گرفتن موافقت و مجوز چاپ نسخهٔ ترجمهٔ فارسی از ناشر داشت و با پیگیری‌هایی که انجام داد، چاپ این ترجمه را به طور انحصاری به زبان فارسی بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای، به ناشر اصلی امکان‌پذیر ساخت.

وی افزود: دو سال و نیم روی این اثر وقت گذاشته شد و امیدوارم مطالب این کتاب برای فعالین صنعتی، مدیران دولتی، سیاستگزاران کلان کشور، استادان، پژوهشگران، دانشجویان و علاقه مندان به این حوزه مفید باشد.

برخی نکات کلیدی کتاب: با دلایل خوبی می‌توان فرض نمود که آلمان حتی بدون نقش پیشگامان انگلیسی می توانست به صحنه‌ای از یک انقلاب صنعتی مستقل تبدیل شود. برای اثبات و تحقق این فرضیه، شرایط مساعدی در درازمدت در آلمان شکل گرفته بود که از جمله می‌توان به نظام نسبتاً پیشرفته مدرسه و دانشگاه، نظام اداری توسعه یافته و درجهٔ بالایی از امنیت حقوقی اشاره نمود. به علاوه، شهروندان شهرهای متعددی از آلمان مدت‌ها پیش از شروع صنعتی شدن با مهارت‌های صنعتی و تجاری که پیدا کرده بودند، در خارج از کشور نیز متمایز و مورد احترام بودند.

آلمان به لطف منابع طبیعی، شبکهٔ مناسب حمل‌ونقل، سرمایهٔ انسانیِ کارآفرین و صنعتگران ماهر در حدود سال ۱۸۰۰ به اندازه‌اِی توسعه یافته بود که در آستانهٔ انقلاب صنعتی قرار داشت و حتی از آن به عنوان «انگلستان کوچک» تعبیر می‌شد.

دههٔ ۱۸۳۰ به دلیل پیشرفت عظیم اقتصادی در آلمان به عنوان یک نقطه عطف تعیین کننده در توسعهٔ صنعتی این کشور دیده می‌شود. تغییرات ساختاری در دههٔ ۱۸۵۰ به حدی شتاب گرفت که بسیاری از مورخین از این دهه به عنوان مهم‌ترین دورهٔ انقلاب صنعتی آلمان یاد می کنند.

رونق واقعی پس از پیروزی نظامی آلمان بر فرانسه و تأسیس امپراتوری آلمان آغاز شد. این روند پیش از جنگ نیز قابل پیش‌بینی بود، اما محرک‌های اقتصادی مازاد را از رویدادهای سال‌های ۷۱/۱۸۷۰ دریافت کرد. آرزوهای دیرینهٔ بورژوازی اقتصادی برای ایجاد یک ناحیهٔ ملیِ اقتصادیِ همگن و دارای قوانین یکپارچهٔ اقتصادی لیبرال دَر مدت زَمان کوتاهی به حقیقت پیوست. این امر موجب خوش‌بینی در میان مهم‌ترین قشرهای سرمایه‌گذاری صنعتی گردید و خود نیز به تقویت بیشتر روند توسعه و پیشرفت کشور انجامید.

ظهور بخش‌های صنعتی نوظهور و جدیدِ صنایع شیمیایی و الکتریکی در یک‌سوم پایانی قرن نوزدهم را باید به عنوان یک نقطه عطف مهم دید. این بخش‌های جدید و نوظهور دیگر بر پایه فناوری‌های تقلیدی و وارداتی شکل نگرفتند. شکل گیری و پایه‌گذاری این حوزه‌های جدید نشانهٔ تحولات مستقلی بود که برای نخستین بار به آلمان اجازه داد تا به عنوان یک کشور پیشروی صنعتی و یک صادر کنندهٔ پیشروی فناوری، ایفای نقش کند. پیشتازی و سرآمدی آلمان در این حوزه‌های جدید و رو به رشد، دستاورد و نتیجهٔ پیوند نزدیک پژوهش‌های علمی دانشگاهی با تولید صنعتی است. ساختار نامتمرکز ناشی از فدرالیسم در دانشگاه‌های فنیِ دارای شهرت بالای جهانی، نقش مهمی در این فرآیند علمیَ‌سازیِ فناوری ایفا کرد.


تخریب مدرسه دخترانه در بوشهر

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

خبرنگاران بوشهری، فراموش‌شده‌های صنعت نفت و گاز



ابراهیم دانش: از اواخر دهه ۷۰ که جنوب استان بوشهر، میزبان صنعت نفت، با نام پارس جنوبی، گردید قریب سه دهه می گذرد، مهمانان این دیار از هر لحاظ می نگریم نسبت به میزبان، بی‌مهری خود نشان داده اند، از حق السهم ۵۰ درصد اشتغال بومیان گرفته تا پرداخت صحیح و عادلانه حق آلایندگی، از عدم تمکین به تعهدات مسئولیت‌های اجتماعی تا پروازهای چارتری، و اما اوج بی توجهی صنعت نسبت به خبرنگاران، این استان می باشد، که رسانه خبری آبدان دانش، بیش از ۲۰ سال است و در اکثر نشست ها و محافل و مجالس نسبت به این مهم هشدار داده، که ما خبرنگاران می باید چکاری انجام بدهیم تا صنعت ما را باور نموده و ما را ببینند؟
کمتر روزی است که فرودگاه عسلویه، شاهد حضور هیات‌های بلند پایه کشوری و لشکری اعم از صنعت و غیره که به جهت بازدید از این ابر غول‌های پالایشگاهی یا پترو شیمی‌ها می‌آیند و با پرواز خود، گروهی از خبرنگاران و عکاسان و مستند سازان، همراه دارند، هزینه‌های پرواز، اسکان و دستمزدهای رپرتاژی کلان و... پرداخت می نمایند، ولی دریغ از حضور حتی یک خبرنگار بومی یا هم استانی، خبرنگاران همراه، اعزامی از تهران با حضور در پلکان هواپیما تا پاویون تشریفات فرودگاه تا حضور در سالن کنفرانس‌ها با وسیله نقلیه اختصاصی، که همه هزینه برای هیئت اعزامی داشته و دارد. در صورتی که با توجه به شناختی که از همکاران رسانه‌ای خود در استان بوشهر (خاصه جنوب استان) سراغ دارم، همین دوستان خبرنگار (اعم از خانم و آقا) می توانند بدون کمترین توقع و هزینه با بهترین کیفیت، همین مراسمات از استقبال تا بدرقه را پوشش و گزارش نمایند،
وقتی ۲۱ شهریور، نماینده مجلس (جناب احمدی) که به عنوان رئیس کمیسون انرژی مجلس شورای اسلامی با هیئتی از معاونین وزارت نفت، به عسلویه وارد می شود، بدون حضور یک خبرنگار بومی یا هم استانی، دیگر چه توقعی از سایرین می باشد.

پرسشی از رئیس ستاد انتخاباتی پزشکیان در استان بوشهر
چرا روند پیشنهاد استاندار توسط ستاد پزشکیان، شفاف نیست؟

حسین صداقت



در حالی که ستادهای انتخاباتی اکثر استان‌ها، لیست گزینه‌های پیشنهادی خود جهت تصدی استانداری را به وزرات کشور ارسال و برای تنویر افکار عمومی نیز منتشر کرده‌اند و حتی بعضاً با ارائه معیارها و مصداق‌های مورد نظر و توضیح روند و سازوکار انتخاب و گزینش افراد در رسانه‌ها، انتشار داده‌اند، از استان بوشهر هیچ خبر رسمی‌ای منتشر نشده است.
آقای عمادی رئیس محترم ستاد پزشکیان در استان بوشهر، آیا اصلاً لیستی از سوی این ستاد به وزارت کشور ارسال شده؟ اگر شده چرا این لیست در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفته و به شهروندان اطلاع داده نشده است؟ چه مصلحتی در عدم انتشار لیست گزینه‌های پیشنهادی وجود داشته؟ چرا مانند دیگر استان‌ها شفافیت را ملاک عمل قرار نداده‌اید؟
آیا بهتر نبود یک بار هم که شده استان‌های همجوار را الگو قرار دهیم که سال‌هاست عرصه سیاست استان‌شان با همدلی و اتحاد و هم‌اندیشی مدیریت شده و ثمرات مثبت آن در آبادانی و توسعه آن استان‌ها مشاهده شده است.



آقای عمادی اخباری به گوش می‌رسد که حضرتعالی لیستی سه نفره به وزارت کشور ارسال کرده‌اید که نام مبارک‌تان بر صدر آن قرار گرفته است. آیا ارسال این لیست صحت دارد؟ در صورت صحت، شما که اظهار کرده بودید تمایلی برای برگشت به کار دولتی بعد از بازنشستگی ندارید و مطالب متعددی هم در مذمت کنشگری سیاسی در جوامع بی‌شکل نوشتید، بر چه اساس چنین لیستی را ارائه کردید که معیارهای تعیین‌شده توسط دولت، از جمله داشتن سابقه کار در وزارت کشور و بازنشسته نبودن را نادیده گرفته است.
چرا یک بار برای همیشه با اعلام رسمی و شفاف موضع و اعلام گزینه‌های مورد نظر، به این ابهامات پاسخ نمی‌دهید. ما از شما که چهره‌ای فرهنگی هستید حداقل انتظارمان، صداقت با شهروندان هم استانی و محرم دانستن آن‌ها در تصمیمات سیاسی‌تان است.

سپاس بی کران از همراهی صاحب‌امتیازی، استوار

یونس قیصی‌زاده - مدیرمسئول نسیم جنوب

در هنگام وزیدن فرخنده‌نسیم دوم خرداد، یکی از کسانی که پیشنهاد و اصرار به راه‌اندازی هفته‌نامه‌ای روشنگر متناسب با باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی آن زمان داشت، دکتر امیر خلف‌پور بود که نتیجه آن وزیدن نسیم جنوب در طی بیست و هفت سال و با بیش از هزار شماره می‌باشد.



در این مسیر سخت و پرفراز و نشیب که حکایت‌ها دیدیم و ناملایمات کشیدیم، دکتر امیر خلف‌پور به عنوان صاحب‌امتیاز نسیم‌جنوب، چون کوهی استوار پشت این هفته‌نامه و همانند هدایت‌گری صادق و باتجربه، یاری‌دهنده ما بود و البته که از تیر و زخم آن نیز بی‌نصیب نماند و سیبل حملات و نامهربانی‌ها گردید. اما اکنون که به این فعالیت فرهنگی و مطبوعاتی نزدیک به سه دهه، نگاه و موفقیت‌های به دست‌آمده را مرور می‌کنیم، آن را وامدار صداقت، ایستادگی و دلسوزی و مسئولیت‌پذیری صاحب‌امتیازی مقاوم و مردم‌دار می‌بینیم که برگ درخشانی از فعالیت مطبوعاتی را در این کشور رقم زد.
با این وجود، چندین سال بود که ایشان بنا به دلایل شخصی، تقاضای واگذاری صاحب‌امتیازی این هفته‌نامه را داشت که علیرغم مخالفت و نارضایتی، سرانجام درخواست وی انجام گرفت. ضمن سپاس از آن همه همراهی، همدلی و همگامی در طی این ۲۷ سال، خوشحالیم که اکنون با موافقت هیات نظارت بر مطبوعات، بانویی فرهیخته و مطبوعاتی که از روز نخست انتشار تاکنون، همراه و یاور هفته‌نامه بوده، عهده‌دار صاحب‌امتیازی هفته‌نامه نسیم‌جنوب شده است. ضمن تبریک به خانم نسیم فقیه، امیدواریم که همچنان همانند گذشته، شاهد وزیدن نسیم‌جنوب بر پهنای استان فرهنگی بوشهر و ایران عزیز باشیم.

مسعود شکوهی مشاور وزیر آموزش و پرورش شد



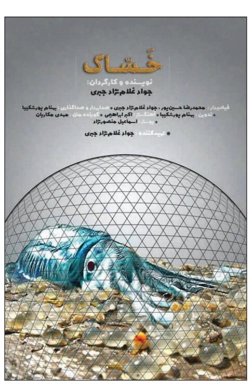
وزیر آموزش و پرورش طی حکمی «مسعود شکوهی» را به عنوان «مشاور وزیر در امور اقتصادی و رفاهی فرهنگیان» منصوب کرد.
مسعود شکوهی سوابقی چون مدیر کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش، نماینده صندوق فرهنگیان در استان بوشهر، ریاست شورای شهر بوشهر در دوره سوم و معاونت پرورشی و فرهنگی اداره کل آموزش و پرورش را در کارنامه خود دارد. علیرضا کاظمی در حکم انتصاب این مدیر بوشهری آورده: «نظر به مراتب شایستگی و تجارب ارزشمند جنابعالی در حوزه آموزش و پرورش، به موجب این حکم به سمت «مشاور وزیر در امور اقتصادی و رفاهی فرهنگیان» منصوب می شوید. تعهد و پیمان مشترک همه ما اجرای سند تحول براساس نقشه راه ابلاغی و زمینه سازی برای ارائه خدمات با کیفیت عادلانه و فراگیر برای فرزندان این مرزبوم است، که در سایه همدلی و وفاق، جلب مشارکت و همکاری معلمان فرهیخته، صاحب‌نظران، مدیران و کارشناسان خبره، براساس تکالیف قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور، محقق خواهد شد.

گزینه‌های پیشنهادی ستادهای پزشکیان برای استاندار بوشهر



ستادهای پزشکیان در استان بوشهر پیشنهادات خود برای استاندار بوشهر، را ارسال نموده‌اند.
بر اساس نامه‌ای که در فضای مجازی منتشر شده است، ستاد مردمی دکتر پزشکیان در بوشهر لیست اسامی نامزدهای تصدی استانداری را بدین شرح پیشنهاد داده است:
۱. محمد مهدی پورفاطمی
۲. دکتر غلامرضا اسکندری
۳.دکتر سکینه الماسی
۴.دکتر عباس برزگرزاده
۵.دکتر عادل دهدشتی
۶.دکتر اکبر روشن‌ضمیر
۷.دکتر ارسلان زارع
۸.دکتر عبدالمجید مصلح
همچنین گفته می‌شود که لیست ستاد مرکزی دکتر پزشکیان در استان بوشهر نیز سه نفر می باشد که گویا عبارتند از:
۱. دکتر عبدالرسول عمادی
۲. دکتر مسعود شکوهی
۳. دکتر ارسلان زارع

«خساک» در جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان



مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: اثر مستند «جواد غلام‌نژاد جبری» با نام «خساک» به جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان «قزوین» راه یافت.
عبدالرحیم افروغ در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: امید است «جواد غلام نژاد جبری» بتواند با اثر مستند «خساک» در این جشنواره منطقه‌ای سیمان جوان خوش بدرخشد. فیلمبرداری اثر «خسّاک» توسط محمدرضا حسین‌پور و جواد غلام نژادجبری نژاد، تدوین، صدابرداری و صداگذاری توسط بهنام پورشکیبا و آهنگ سازی اکبر ابراهیمی انجام شده است.
افروغ اظهار کرد: گوینده متن مستند «خسّاک»، مهدی مکاریان و پوستر نیز توسط اسماعیل منصورنژاد طراحی شده است.
غلام‌نژاد، ناخدا محقق و پژوهشگر دریایی،نویسنده، فیلم ساز ساخت فیلم های کوتاه (نفس، خساک) فیلم بلند (پدر و مادر دریا) است.

یک بوشهری معاون بهداشت وزارت بهداشت شد



طی حکمی از سوی وزیر بهداشت، دکتر علیرضا رئیسی به عنوان معاون بهداشت وزارت بهداشت منصوب شد. در متن حکم دکتر محمدرضا ظفرقندی خطاب به دکتر علیرضا رئیسی آمده است: «خدمت به مردم عزیز کشورمان، فرصت و نعمت مغتنمی است که خداوند منان به بندگان خدوم خویش ارزانی داشته است. این فرصت در حوزه سلامت ارزش مضاعفی دارد که نتیجه آن کاهش آلام مردم و ارتقای سلامت جامعه است. نظر به تعهد و تجارب ارزشمند جناب عالی به موجب این ابلاغ به سمت معاون بهداشت منصوب می شوید.